

وقف کتاب در دوره صفوی

وقفنامه کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان

محمدباقر سجادی خوراسگانی

را نیز ضمیمه می‌کرد. نمونه‌ای از این قبیل وقفنامه‌ها، وقفنامه مدرسه جدّه کوچک اصفهان است که بانی مدرسه، بلکه اعتمادالدوله وقت و شماری دیگر از بزرگان آن روزگار آنها را وقف مدرسه کرده و اسامی آنها در پشت وقفنامه مدرسه آمده است. آثاری از قبیل تفسیر کشاف، مختلف الشیعه در فقه، شرایع، تاج المصادر، الدروس، کشف الغمه، صحاح اللغة، اربعین شیخ بهایی و ... در شمار آثار فراوانی است که وقف کتابخانه مدرسه مزبور بوده است.

در کنار وقف کتاب، گاه رقباتی برای استنساخ کتاب اختصاص می‌یافته است. از جمله این موارد به عهد صفوی حمام خسرو آقا و نقش جهان در اصفهان است که درآمد حاصل از آن، وقف استنساخ کتابها بوده است. از نمای این حمام که در عصر اخیر صفوی تولید آن با علامه مجلسی بوده آثاری پدید آمده که اکنون در برخی از کتابخانه‌ها می‌توان آنها را ملاحظه کرد. در پشت این آثار معمولاً وقفنامه‌ای است که ضمن آن تصریح شده که کتاب مزبور از درآمد حمام مزبور کتابت شده است.^۱ یک نمونه آن - که وقفنامه آن را میر عبدالباقی خاتون آبادی نوشته - کتاب ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاخبار علامه مجلسی است.^۲ متن یکی از یادداشت‌های پشت این قبیل کتابها که وقفنامه

وقف کتاب از کهنترین و در عین حال از ارجمندترین موارد وقفی است که در تاریخ وقف مطرح بوده و هست. این قبیل وقف، در کنار وقف بناهای آموزشی، از ارکان مبحث ارتباط وقف با فرهنگ و دانش است. خارج کردن یک اثر از حیطه خرید و فروش روزمره بدان معناست که این اثر متعلق به تمامی فرهنگ‌دوستانی است که واقف، این کتاب را برای آنان وقف کرده است. بدین ترتیب کتاب از انحصار فردی خارج شده و در اختیار عموم قرار می‌گیرد. به یقین فلسفه وقف کتاب، همین خارج کردن از انحصار بوده و کسانی که آثار وقفی را، اعم از خطی یا چاپی، مجدداً به انحصار خویش درآورده‌اند - حتی برخی از مدیران کتابخانه‌ها - ولو خود را مالک آن ندانند، برخلاف نیت واقف عمل کرده‌اند. خواهیم دید که در همین وقف‌نامه که در ادامه آمده واقف کتابها قید کرده است که: «جمعی که به جهت انتفاع آنها را نگاه می‌دارند معطل نگذارند.» در دوره صفوی، پایه پای وقف بناهای آموزشی، وقف کتاب نیز مطرح بود. هر مدرسه، کتابخانه‌ای را می‌طلبید و کتابخانه هم کتابهای چندی را. طبعاً واقف برای تکمیل کار خود، لزوماً به کار کتابخانه نیز می‌پرداخت و کتابهایی را برای آن تهیه می‌کرد. حداقل کتابهایی که تهیه می‌شد، کتابهایی بود که امروزه آنها را به عنوان کتابهای مرجع می‌شناسند. در این کتابخانه‌ها امهات کتب فقهی، حدیثی، کلامی و لغت وجود داشت. واقف چه بسا در ضمن وقفنامه، لیست کتابهای وقفی

۱. میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، ۱۳۷۵، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۲. نسخه ش ۴۸۳۵ کتابخانه آیت الله مرعشی.

آن کتاب است چنین است :

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

اما بعد : فهذا الكتاب المستطاب مما عمل وصنع واستنسخ من نماء الحمام الواقع فى اراضى نقشجهان ببلدة اصفهان من اوقاف السلطان الاعظم والخاقان الأعدل الاكرم ملجأ الاكاسرة وملاذ القياصرة ، كهف طوائف الامم مولى ملوك العرب والعجم ، ناصب رايات العدل والانصاف ، ماحى آثار الجور والاعتساف ، محيي مراسم الشريفة الغراء ، مشيد قواعد الملة البيضاء ، فرع الشجرة الطيبة النبوية ، غصن الدوحة العلية الغلوية ، مُمهّد أساس الدين المبين ومروج آثار آياته الطاهرين اعنى السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان ابوالمظفر سلطان سليمان الموسوى الصفوى بهادرخان شدّ الله اطناب دولته بزياد الخلود وزين سريره سلطنته بدرر العزّ والسعود فوقته بأمره الأعلى على الشيعة الامامية الاثنى عشرية وفقاً ثابتاً لا يباع ولا يشتري ولا يوهب ولا يوجبس عن مستحقه وجعلت توليته والنظر فيه للسيد الأيد الفاضل الكامل التقى الذكى الامير عين العارفين القمى وفقه الله تعالى لمراضيه ثم لمن عينه السيد لذلك وهكذا ثم الى العالم المحدث الصالح المتوطن فى بلدة قم او بلدة اصفهان صانها الله عن الحدثان ومع التشاح الى من اخرجه القرعه منهم «فمن بدكّه بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يدلونه» .

قد كتب الداعى لخلود الدولة القاهرة محمدباقر بن محمد تقى المجلسى عفى عنهما فى شهر رجب الاصب سنة خمس وتسعين بعد الالف الهجرية والحمد لله اولاً و آخرأ وصلى الله على سيد المرسلين محمد وعترته الاكرميين

مهر علامه مجلسى

در حاشیه افزوده شده : وعلى من أخذه أن لا يجسه مع عدم حاجته اليه وأن يرده الى المتولى او من يقوم مقامه فى كل ستة اشهر مرة ومع عدم قضاء وطره يأخذه بإذن جديد . *
باید دانست که وقف کتاب در شرایط خاصى صورت مى گرفت . این امر بسته به دیدگاههای واقف بود . اگر واقف مخالف فلسفه و عرفان بود از وقف کتابهای فلسفى و عرفانى پرهیز مى کرد و حتى شرط مى کرد تا دانش پژوهان مدرسه از مطالعه این کتابها نیز خودداری کنند . به عنوان نمونه در وقفنامه مدرسه مریم بیگم - که در حوالی چهارراه نقاشی ، واقع در خیابان نشاط در اصفهان بوده و اکنون به جای آن دبستانی ساخته شده - آمده است : «و باید که کتابهای علوم و هیمه ، یعنی علوم

مشكوك و شبهات ، که به علوم عقليه و حکمت مشهور و معروف است ، مثل شفا و اشارات و حکمة العين و شرح هدايه و امثال ذلك به شبهه دخول در مقدمات علوم دينى نخوانند .^۳ این نگرش محصول جنبش ضد فلسفه و عرفان است که در سالهای اخير عصر صفوى فراگیر شده بود . از جمله در وقفنامه مدرسه چهارباغ نیز آمده است که طلاب باید «از مباحثه کتب حکمت صرف و تصوف در مدرسه مبارکه احتراز» کنند .^۴

* . باتشکر از دوست دانشور استاد رضا مختارى که متن فوق را در اختیار ما گذاشتند .

۳ . تاريخچه اوقاف اصفهان ، ص ۲۹۹ .

۴ . همان ، ص ۱۶۹ .

متولیان سابق و لاحق آن آگاهیهای ضروری به دست آید.

اینک متن و قفنامه کتابخانه مدرسه چهارباغ که شاه سلطان حسین صفوی آن را تنظیم کرده و از جهت شناخت پاره ای مسائل درباره تاریخ کتابداری دارای ارزش قابل ملاحظه ای است. نسخه این و قفنامه به شماره ۹۶۰۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگاهداری می شود. متن حاضر براساس همین نسخه آماده شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الله اله الهی

محمد مصطفی چهارده معصوم صاحب الزمان
حمدی که واقفان اسرار ملک و ملکوت و ثنائی که عارفان
معالم قدس و جبروت گزارش آن را دیباجة صحایف معرفت و
دانایی داند و ادای آن را مقدمه کتاب فهم و شناسایی خوانند،
خداوند علام الغیوب را رواست که آیات و حداث ذات بیچون و
آثار قدرت کامله از قیاس بیرون را به بنیان قلم «کُن فیکون» بر
اوراق لیل و نهار و صفحات اجزای روزگار تحریر و بیان فرمود
تا طالبان علوم ربّانی و جویندگان معارف ایمانی به کنوز حقایق
دانشوری و رموز دقیق هنرپروری راه برده، عالم احکام کتابهای
آسمانی و کاشف استار از وجوه الفاظ و معانی گردند، و رسایل
صلوات تامّات و مجموعه های تسلیمات نامیات و وقف مسکن
رسول مبین و صاحب مقام امین و اوصیای گزین و اولاد
معصومین او- صلوات الله علیهم اجمعین- را شاید که به تعلیم
اصول و فروع دین و ارشاد به حق الیقین صاحبان مدارک و افهام
و سالکان مسالک پیروی ائمه انام را به منتهی المطلب فوز ابدی
و حیات القلوب سعادت سرمدی رسانیدند و به هدایت کافیه و
دلالت و اقیه سبّ خوانان مدرسه ایجاد و وظیفه خواران زاد معاد
را قابل مراتب عالیه ایمان و ساکن بهشت جاویدان گردانیدند.

اما بعد، کتّاف مضامین صدق مفاد شرح این مقاصد خیر
بنیاد است که چون نواب کامیاب خلائق مآب شاهنشاه دین پناه
ظلّ الله المنصور المؤید من عندالله، بانی مبانی شریعت پروری
مشید ارکان معدلت گستری، باسط بساط عدل و داد و ماحی
آیات جور و بیداد بنده خاکسار آستان سید انبیا، چاکر دربار
سرور اولیاء و اصفیا خادم عتبات ائمه اثنی عشر مروج سنن سنیه
حضرت خیر البشر- علیهم صلوات الملك الاکبر- واسطه نظام
لیالی و ایام، شیرازه اوراق شهور و اعوام گردون رفعتی که

۵. فوائد الفوائد در احوال مدارس و مساجد، ص ۲۹۰ (تهران، ۱۳۷۴).

۶. ر. ک: مجله فرهنگ اصفهان، ش ۱، مقاله «مدرسه چهارباغ» از آقای محمد حسین ریاحی، ص ۵۳-۶۰ و مصادر همان مقاله.

۷. تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۱۶۷.

۸. جغرافیای اصفهان، میرزا حسین تحویلدار، ص ۴۸.

مدرسه چهارباغ اصفهان و کتابخانه آن

یکی از مدارس مهم اصفهان که در دوره میانی سلطنت سلطان حسین صفوی، در فاصله سالهای ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ساخته شد- و البته از سال ۱۱۲۱ درس و بحث در آن آغاز گردید^۵- مدرسه چهارباغ، یا مدرسه سلطانی، اصفهان است. مدرسه ای که خود شاه نیز حجره ای از آن را به خود اختصاص داده بود. شرح تاریخچه و عظمت مدرسه مزبور از لحاظ معماری، مسأله ای است که در جاهای دیگر مورد بحث قرار گرفته است.^۶

شاه صفوی پس از بنای مدرسه، کتابخانه ای نیز برای آن بنا کرد و خود به وقف شماری کتاب جهت آن همت گماشت. قاعدتاً باید کسان دیگری نیز دست به این اقدام زده باشند. از آنجا که بنای این مدرسه در اواخر عصر صفوی بود، نباید در آن دوره، کتابخانه توسعه فراوانی یافته باشد. با این حال شاه جهت کتابخانه، و قفنامه ویژه ای تنظیم کرده که قواعد استفاده از کتابها نیز در آن آمده است.

در قفنامه بلند مدرسه چهارباغ و در ضمن اشاره به مخارج مدرسه از هر جهت، ضمناً از مخارج کتابداری مدرسه نیز یاد شده است. از جمله هفت تومان، گویا سالانه، برای کتابدار معین شده است؛ با این عبارت: به دستور تسلیم کتابداری که متولی شرعی به جهت کتب وقفی مدرسه مبارکه مزبوره تعیین نموده باشد نمایند، مقرر آنکه کتابدار مزبور در اکثر اوقاتی که طلبه را رجوع به کتابهای وقفی بوده باشد در مدرسه حاضر بوده، ضبط کتب وقفی حسب الواقع نموده صیانت آنها از تلف و ضیاع نماید و داد و ستد آنها را به شروخی که در ظهر کتب مزبوره مرقوم است نماید.^۷

از این سخن اخیر چنان به دست می آید که شروخی را که مربوط به استفاده از کتابهای وقفی بوده در پشت کتابها- به اجمال یا تفصیل- می آورده اند. این شروط همانهاست که در قفنامه کتابهای مدرسه آمده و ما در ادامه، متن کامل آن را چاپ می کنیم.

از سرنوشت این کتابخانه در گذر تاریخ آگاهی نداریم. تنها در یکی از مصادر متأخر آمده است که کتابهای کتابخانه مزبور، که در دوره سلطه افغانه در معرض تهدید بوده، از طرف متولی در سردابه ای ریخته شده و متأسفانه پس از چندی بسیاری از آنها ضایع شده است.^۸ قاعدتاً باید به دلیل دایر بودن مدرسه در دوره قاجار، کتابخانه مدرسه آباد شده باشد. بررسی وضعیت کتابخانه در این دوره تا انقلاب اسلامی نیاز به تحقیق و تتبع جدی دارد و لازم است برای روشن شدن میراث برجای مانده آن از ساکنان قدیمی مدرسه و

عنوان منشور باهر النور شهر یاریش به طغرای غرّای **قُلْ اَللّٰهُمَّ** مالک الملک تؤتی الملک من تشاء [آل عمران/ ۲۶] مطرز و موشح است؛ آسمان شوکتی که دیباچه فرمان فرمانروایی و جهان داریش به سرلوحه زیبای «وَاٰتِنَاهُ مَلِكًا عَظِيْمًا» مزین و منقش است، صاحب نسب بزرگوار نبوی فایز حسب با اعتبار علوی، پشت و پناه اهل ایمان، مظهر آثار لطف و احسان، سلطان سلاطین زمان، پادشاه پادشاه نشان، السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصور السلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان - مدّ الله تعالی ظلال معدلته علی مفارق الأنام و جعل دولته متصلة بدولة المهدي عليه الصلاة والسلام - پیوسته انتشار قواعد علوم دین مبین و اشتها شعیب شرایع ملت مستبین حضرت سید المرسلین - علیه افضل صلوات الله المصلین - و تکثیر علمای دین دار و ترفیه طالبان علوم سعادت مدار و تهیه اسباب تحصیل و تمهید مایحتاج تکمیل آن قوم نبیل را منظور نظر انور کیمیا اثر و مرکز ضمیر منیر حق پرور عدالت گستر نموده و از خالص مال حلال، مدرسه عظیم المثال در جنب چهارباغ دارالسلطنه اصفهان - صانها الله تعالی عن طوارق الحدثان - به جهت سکنی و مأواى ایشان احداث و بنا فرموده اند و به فضل خالق انام آن نیکو مقام رتبه اتمام یافته . لهذا از جمله تهیه اسباب تحصیل آن فریق توفیق نشان که تیسیر آنها منظور آن خسرو اهل زمان این کتاب را با سایر کتبی که در ظهر هر یک وقفیه به همین شرح مرقوم گردیده است، قرینه الی الله تعالی و طلباً لمرضاته وقف صحیح لازم مؤید شرعی و حبس صریح جازم مخلد ملی نمودند بر شیعیان اثنی عشریه - کثرهم الله تعالی بین البریه - به این نهج که :

همیشه در ضبط و تحویل کتابداری که به جهت مدرسه مبارک مزبوره تحویل می شود، بوده هر یک از طلبه عظام سکنه مدرسه مذکوره که محتاج به آنها باشند به تجویز مدرس مدرسه مزبوره بگیرند و به قدر احتیاج نگاه داشته از آن منتفع شوند و زیاده از قدر احتیاج نگاه ندارند .

و اگر کسی از شیعیان غیر ساکنین آن مدرسه محتاج به آنها باشد و خواهد، بعد از تجویز مدرس، قبض به مهر مدرس به کتابدار مذکور سپارد و کتاب را گرفته به قدر احتیاج نزد خود نگاه داشته از دارالسلطنه اصفهان نبرد و اگر مدرس خاطر به او جمع ننماید و مناسب داند، رهن از او گرفته کتاب را به او دهد .

و هر یک از کتب مزبوره که بردن آن به مشاهد مشرفه به جهت

زیارات و سایر اعمال مرغوبه و عبادات مناسب باشد، اگر کسی خواهد و محل اعتماد مدرس باشد یا رهن دهد، بعد از تجویز مدرس و قبض به مهر او جایز است که آن کتاب را به موعده معین به نحو مزبور از اصفهان بیرون برد و بعد از انتفاع و رفع رجوع باز آورده به کتابدار سپارد و به هر تقدیر در محافظت آن از تضییع و تلف کمال اهتمام و سعی نمایند .

و مادام که در اصفهان باشد هر شش ماه یک مرتبه به نظر مدرس رسانند تا خاطر خود را از وجود و ضایع نشدن آن جمع نماید و هرگاه باز خواهند و مدرس اذن جدید دهد، باز برده به نحو مسطور از آن بهره یاب گردند .

و مدرس مدرسه مبارکه مزبوره در باب منتفع شدن ارباب احتیاج بل کافه طلبه علوم و شیعیان از آنها و ضبط از تلف و ضایع شدن نهایت سعی و اهتمام و در هر یک از مراتب مزبوره فوق به لوازم آن قیام نماید .

واعلیحضرت واقف - حرسه الله تعالی من جمیع المخاوف - شرط شرعی فرموده اند که کتب مزبور را نخرند و نفروشند و نبخشند و رهن ننمایند و در عرصه زوال و انتقال در دنیا نیاورند . و جمعی که به جهت انتفاع آنها را نگاه می دارند معطل نگذارند و هرگاه اهل علم از آنها منتفع شوند در اوقات شریفه، آن ولی نعمت عالمیان و قبله گاه جهانیان را به دعای خیر یاد نمایند .

تغییر دهنده وقف مزبور به لعنت الله و نفرین حضرت رسالت پناهی و ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - گرفتار گردد : **«فَمَنْ بِذَلِكَ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ لِنَمَّا اِئْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يَدُلُّوْنَهُ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»** [بقره/ ۱۸۱] .

واعلیحضرت واقف - جعله الله تعالی اماناً من جمیع المخاوف و واقفاً علی سبیل الهدی فی کل المواقف - ثواب این وقف را، قرینه الی الله تعالی، هدیه نمودند به ارواح مطهره حضرت مقدسات سدره مراتب عرش درجات - علیهم السلام - که اول ایشان حضرت رسول امین مختار جناب رب العالمین، مقصود از ایجاد افلاک، مخصوص بختاب «لَوْلَاكَ» خاتم الانبیاء - صلی الله علیه واله وسلم - و آخر ایشان خاتم اوصیاء، هادی راه هدی، به امر خدا غایب، امر و زمان را صاحب، امام به حق، پیشوای مطلق، حجة الرحمن - صلوات الله وسلامه علیه - است .

و کان تحریر ذلک فی شهر ربیع الثانی من شهر سنه عشرین ومائة بعد الألف من الهجرة المقدسة النبوية علی مهاجرها آلاف صلوة وسلام و تحية .

مهر شاه

